

جستاری در مبانی فلسفی حق بشری «محیط زیست سالم» در مذهب امامیه

حبيب بیرام زاده نقره، صالح نوری، حسین جوادی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۱۵

چکیده:

حق بر محیط زیست سالم یکی از مهمترین مصادیق حقوق بشر بوده که در عصر حاضر مورد توجه جامعه جهانی است. این حق در متون دینی فقه امامیه به صراحت بیان نشده است. آنچه که وجود دارد، بیان برخی تکالیف برای افراد بشری در کنار ذکر عناصر طبیعت است. با این حال، آنچه ضروری است مورد بحث قرار گیرد، استخراج حقوق بشری برای داشتن محیط زیست سالم در نظام استدلالی و فلسفی فقه امامیه و یافتن پاسخ این سؤال اساسی است که چگونه می توان با لحاظ تکالیف بیان شده در متون دینی در قبال عناصر محیط زیست، به حقوق افراد بشر در این زمینه دست یافت و مهمترین مبانی این حقوق کدامند؟ پژوهش حاضر با مروری بر منابع اصیل مذهب امامیه و در روشی توصیفی - تحلیلی، با استناد به قاعده ملازمه حق و تکلیف، مهمترین مبانی فلسفی حق بر محیط زیست سالم در این مذهب را بدست آورده که امنیت، آبادانی، سلامت و بهداشت، امنیت روانی، رونق اقتصادی، اقتدار ملی، ارزش ذاتی و ارزش ابزاری محیط زیست، از جمله آنها است.

واژگان اصلی: حق، حق بر محیط زیست سالم، مبانی حق بر محیط زیست، مبانی فلسفی.

۱. دانشجوی دکتری گروه حقوق خصوصی، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران

۲. استادیار گروه فقه و حقوق اسلامی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

۳. استادیار گروه حقوق، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران (نویسنده مسئول)

۱- مقدمه

حق بر محیط زیست سالم به خاطر اهمیتی که در فراهم سازی بستری مناسب برای حیات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بشر دارد، جزو حقوق اولیه ملتها در حقوق داخلی محسوب می گردد و در حقوق بین الملل عمومی نیز با عنوان حقوق نسل سوم بشر مورد توجه قرار گرفته است. در قوانین جمهوری اسلامی ایران نیز اصل پنجاهم قانون اساسی به طور خاص و اصول دیگری همچون اصل سوم و چهارم به طور ضمنی به لزوم حفظ محیط زیست اشاره کرده اند.

هرچند دانشمندان و صاحب نظران حقوق بین الملل در اواخر قرن بیستم متوجه اهمیت محیط زیست شده و به بررسی آن پرداخته اند، ولی با مراجعه به مهمترین منابع احکام اسلام یعنی قرآن و روایات روشن می شود که خداوند متعال و اهل بیت علیهم السلام ۱۴ قرن پیش در قرآن و روایات، محیط زیست و اهمیت آن را متذکر گشته و در بیان های مختلف به احترام و حفظ آن تأکید نموده اند. هر چند در قرآن و سنت از اصطلاح محیط زیست یا حق بر محیط زیست استفاده نشده است ولی بیان عناصر مهم محیط زیست از قبیل: طبیعت، حیوانات و آب و هوا گویای ارزش محیط زیست از دیدگاه خداوند و اهل بیت علیهم السلام می باشد.

با بررسی آیات مربوط به محیط زیست و بیان های مختلفی که از اهل بیت علیهم السلام در مورد محیط زیست و اهمیت آن وارد شده است روشن می شود که لزوم حفظ و احترام به محیط زیست در فقه امامیه همانند سایر احکام اسلام دارای فلسفه ای است که گاه به صراحت و گاه به طور ضمنی بیان نموده اند.

با توجه به اهمیت این مطلب در این پژوهش سعی شده است به این پرسش مهم پاسخ داده شود که چگونه می توان تقابل و تلازم حق و تکلیف، اصول و مبانی حق بر محیط زیست سالم را بر اساس متون دینی مذهب امامیه استنباط و استخراج و دسته بندی کرد؟

۲. کلیات و مفاهیم

۲-۱. تعریف حق

در علم لغت برای واژه «حق» معانی بسیاری ذکر شده است که، ثبوت، درستی، شایسته، وجوب، امر مقتضی، قرآن، یقین پس از شک، احاطه، رشوه، نصیب و بهره، مال، مقابل باطل و حکم مطابق با واقع از جمله آن معانی بوده و «باطل» نیز در مقابل حق استعمال می شود. (راغب اصفهانی،

۱۳۶۲، ۱۲۵)

حق در صورت جمع بسته شدن به صورت «حقوق» به کار می‌رود و مشترک لفظی است که در معانی «مقررات حاکم بر روابط اجتماعی»، «جمع حق» و «علم حقوق» استعمال می‌شود. (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۵، ۱۲) مراد از حق در این پژوهش، معنای دوم آن می‌باشد.

برای واژه «حق» در اصطلاح فقهی نیز، معانی متعددی ذکر شده است که به چند نمونه از آن اشاره می‌شود:

۱. حق سلطه ای است که برای شخص بر شخص دیگر یا مال یا شیء جعل می‌شود. (محقق داماد، ۱۳۸۲، ۱۷)

۲. حق پدیده ای است مرکب از قدرت آدمی و اختیار وی در اعمال آن. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸، ۲۸۹)

۳. حق، نوعی قدرت و توانایی بر چیزی یا کسی یا هر دو است. (آل بحر العلوم، ۱۴۰۳، ج ۱، ۲۵) در میان تعاریف ذکر شده در کتب فقهی و حقوقی به نظر می‌رسد تعریف ذیل جامع‌تر باشد: «حق، اقتدار و سلطه و امتیازی است که برای شخص اعتبار شده و دیگران مکلف به رعایت آن هستند.» (مدنی، ۱۳۷۴، ۲۵)

با توجه به آنچه در مورد تعریف واژه «حق» بیان شد، باید گفت تکلیف لازمه حق است؛ به گونه‌ای که ثبوت حق برای یک موجود، مستلزم ثبوت تکلیف برای موجود دیگر است؛ زیرا وقتی وصول یک موجود به مطلوبش متوقف بر استیفای حقوقی است، چنانچه استیفای حقوق با موانعی از سوی دیگران مواجه شود، استیفای حقوق ممکن نخواهد بود. به عبارت دیگر، اگر حقی برای یک موجود اعتبار شود، اما موجود دیگر مکلف به عدم ایجاد مانع نسبت به استیفای حق او نبوده و بتواند مانع ایجاد نماید، جعل و وضع حق امری بیهوده خواهد بود؛ چرا که وضع و جعل حق در صورتی صحیح و معقول خواهد بود که صاحب حق بتواند از حق خویش به نحو مطلوب استفاده نماید. این امر نیز یعنی همان تلازم جعل و وضع حق با ثبوت تکلیف برای دیگران. (مطهری، ۱۳۸۱، ج ۳، ۲۴۰؛ مصباح یزدی، ۱۳۸۱، ج ۱، ۸۰ و ۹۲-۹۵)

همچنین هرگاه تکلیفی برای یک موجود ثابت شد، این امر مقتضی ثبوت حقی برای موجود دیگر خواهد بود؛ یعنی همانگونه که هیچ حقی بدون تکلیف قابل تصور نیست، وجود هیچ تکلیفی نیز بدون حق قابل تصور نخواهد بود. به عنوان مثال، تکلیف زوج به پرداخت نفقه کاشف از حق زوج برای دریافت نفقه است. (مصباح یزدی، ۱۳۷۷، ۳۰ و ۳۱)

با توجه به مطالب پیش گفته باید گفت وجود تکالیف مربوط به حفظ محیط زیست در آیات و روایات، کاشف از وجود حق بر محیط زیست در این دیدگاه است و از آنجا که همگان مورد خطاب این تکالیف قرار گرفته‌اند، روشن می‌شود که حق بر محیط زیست نیز به همه افراد تعلق دارد و در این دیدگاه به عنوان حقی همگانی قابل ارزیابی می‌باشد.

۲-۲. تعریف محیط زیست

«محیط زیست» اصطلاحی است مرکب از دو واژه «محیط» و «زیست». «محیط» از ریشه «حوط» به معنای احاطه کننده و «زیست» نیز به معنای زندگی و حیات می‌باشد. (مشهدی، ۱۳۹۲، ۴۱) بنابراین محیط زیست مجموعه عواملی است که زندگی و حیات انسان بدون آن ممکن نخواهد بود. اصطلاح «محیط زیست» - مطابق برخی از تعاریف - «عبارت است از هوا، آب، خاک، گیاه، جنگل، بیشه، مرتع، دریا، دریاچه، رودخانه، چشمه، آبزیان، حیوانات، کوه، دشت، جلگه، کویر، شهر و یا ده، شامل کوچه و خیابان و ساختمان، اعم از تاریخی و عادی و کارخانه و ...» (بنان، ۱۳۵۱، ج ۲، ۵) یا «قسمتی از جو یا پوسته زمین که حداقل برای نوعی زندگی مساعد باشد.» (جنیدی، ۱۳۵۲، ۱۴۳؛ متین، ۱۳۷۰، ۳ و ۴) ولی با توجه به دخالت عامل انسانی در محیط و لزوم توجه به نقش فعال او در تغییرات زیستی طبیعی، باید گفت «محیط زیست به تمام محیطی اطلاق می‌شود که انسان به طور مستقیم و غیر مستقیم به آن وابسته است و زندگی و فعالیت‌های او در ارتباط با آن قرار دارد.» (قوام، ۱۳۷۵، ۳)

۲-۳. مفهوم حق بر محیط زیست

حق بر محیط زیست از مهمترین مفاهیم به کار رفته در حقوق بین الملل و جزو نسل سوم حقوق بشر، یعنی «حقوق همبستگی» است. برای آشنایی با مفهوم حق بر محیط زیست، ضروری است برخی از تعاریف ارائه شده در این باره مورد بررسی قرار گیرد. با توجه به اختلافات نظری در مورد این حق، تعاریف متفاوتی نیز در مورد آن ارائه شده است ولی به نظر می‌رسد جامع ترین تعریف عبارت است از: «حقی است مسلم و غیر قابل اعراض و اسقاط که به سبب آن تمامی افراد بشر، هم به صورت فردی و هم به صورت جمعی از محیط زیستی سالم همراه با مسئولیت حفظ سلامت آن به منظور حفظ سلامت نسل حاضر و آینده بشر برخوردار می‌باشند.» (کشاوری، ۱۳۷۸، ۲۴)

باید یادآور شد که در منابع فقه امامیه، عنوان محیط زیست و حق بر محیط زیست به چشم نمی‌خورد ولی در قرآن، روایات و کتاب شریف نهج البلاغه از عناصر مهم محیط زیست مثل

طبیعت و حیوانات نام برده شده و بر حفظ و احترام آنها تأکید شده است. اما همانگونه که بیان شد حق، ملازم با تکلیف بوده و بنابراین هر سخنی در باب فلسفه و مبانی تکلیف به حفظ محیط زیست در واقع همان مبانی حق بر محیط زیست می باشد.

۲-۴. ارزش ذاتی محیط زیست

با مراجعه به آیات و روایات مربوط به محیط زیست به وضوح می توان دریافت که طبق دیدگاه قرآن و اهل بیت علیهم السلام، محیط زیست و عناصر مهم آن از قبیل طبیعت، آب، خاک، کوه، ها، جنگلها و حیوانات از این جهت که دارای ارزش ذاتی و الهی هستند باید مورد حفاظت قرار گیرند. بر طبق این دیدگاه، طبیعت و عناصر آن فقط به این دلیل که دارای ارزش ابزاری هستند، شایسته احترام و حفاظت نیستند؛ بلکه باید گفت طبیعت مجموعه ای زنده، خودآگاه و دارای اراده می باشد که با نظام دقیق علمی تشکیل شده و متوجه هدف عالی است.

خداوند متعال در قرآن کریم به این مطلب صریحاً اشاره نموده و تمامی موجودات روی زمین را به انسان تشبیه نموده است؛ چه آنکه می فرمایند: «هیچ جنبنده ای در زمین و هیچ پرنده ای که با دو بال خود پرواز می کند نیست، مگر اینکه امت هایی همانند شما هستند.» (انعام: ۳۸) بدیهی است که این شباهت جنبندگان روی زمین با انسان تنها از جهت کثرت، انواع ارتزاق، نحوه تناسل، مسکن و... نیست؛ بلکه شباهتی که می تواند آنها را هم ردیف با انسان در ارزش و احترام قرار دهد شباهت در زندگی ارادی و شعور می باشد. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۷، ۱۰۴) که این شعور حیوانات و جنبندگان در آیاتی دیگر مثل آیات ۱۸، ۲۳ و ۲۴ سوره نمل و ... اشاره مورد اشاره قرار گرفته است.

با مراجعه به روایات و اندک تأملی در آنها به وضوح می توان دریافت که اهل بیت علیهم السلام نیز برای موجودات روی زمین ارزش ذاتی قائل بوده اند. در روایتی از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است که فرمودند: «حیوانات را در راه ها و بازارها در حین صحبت کردن به عنوان کرسی برای نشستن قرار ندهید، چه بسا مرکوبی که از راکبش بهتر و از او خداوند را ذاکتر باشد.» (هیثمی، ۱۴۰۸، ج ۸، ۱۰۷) طبق صریح این روایت حیوان و هر موجودی می تواند از انسان نیز دارای ارزش و اعتبار بیشتری باشد؛ چرا که ملاک ارزش و اعتبار هر مخلوقی، رعایت دستورات خداوند می باشد و ممکن است موجودی از انسان نیز فرمان بردار تر باشد.

حضرت علی (ع) نیز در کتاب نهج البلاغه در نحوه برخورد با عناصر مهم طبیعت از جمله حیوانات به این مطلب اشاره نموده اند؛ به عنوان مثال در فرازی از جدایی افکندن بین حیوانات و

فرزندان آنها نهی فرموده و در فرازی دیگر به رعایت عدالت میان حیوانات دستور داده اند (نهج البلاغه/ نامه ۲۵) که این نهی ها و دستورها دال بر این است که حیوانات دارای ارزش ذاتی می باشند و دارای درک و شعور. آن حضرت همچنین در مورد مورچه نیز به صراحت می فرمایند: «به خدا اگر هفت اقلیم را با آنچه زیر آسمانهاست به من دهند تا پوست جوی را از دهان مورچه ای به ناروا برابیم، چنین نخواهم کرد» (نهج البلاغه: خطبه ۲۲۴)، در روایتی نیز حضرت علی (ع) از آلوده کردن آب نهی فرموده و بیان می دارند: «آب ساکنانی دارد، با ادرار و غایب (مدفوع) آنها را نیازید». (جوادی آملی، ۱۳۹۴، ۷۱۰؛ احسائی، ۱۴۰۵، ج ۲، ۱۸۸۲) از این بیان به وضوح می توان فهمید که طبق دیدگاه ایشان حتی مورچه به آن ریزی و کوچکی دارای چنان ارزشی است که حتی در مقابل همه ثروت های دنیا حاضر به گرفتن پوست جویی از دهان آن نیست.

این دیدگاه در سالیان اخیر از سوی فلاسفه محیط زیست نیز مورد تأکید قرار گرفته و سعی شده است تبدیل به قانونی جهانی گردد. (فهیمی و مشهدی، ۱۳۹۳، ۴۰)، لیکن باید توجه داشت نظریه های مربوط به ارزش ذاتی طبیعت جنبه نوینی نداشته و می توان زمینه های آن را در اندیشه های یونان باستان و فلسفه اسلامی همانگونه که بیان شد، یافت. (بوتکین، ۱۳۸۲، ۶۲۸).

۲-۵. نیاز انسان به محیط زیست سالم

برطبق این نظریه، محیط زیست تنها به دلیل اینکه انسان به آن نیازمند است دارای ارزش بوده و باید مورد حفاظت و احترام قرار گیرد. به عبارت دیگر حفظ محیط زیست به دلیل ارزش ابزاری آن برای انسان موضوع حق قرار می گیرد (امیر ارجمند، ۱۳۶۳، ۳۲۳)، هرچند در حقوق بین الملل ارزش ذاتی و ارزش ابزاری به عنوان دو دیدگاه و دو نظریه متفاوت مورد توجه قرار گرفته است (فهیمی و مشهدی، ۱۳۹۳، ص ۳۸ و ۳۹) ولی به نظر می رسد در اسلام این دو نظریه قابل جمع بوده و نظریه ای مابین این دو مورد توجه می باشد، یعنی علاوه بر اینکه محیط زیست در اسلام دارای ارزش ذاتی است، مورد نیاز انسان نیز بوده و به عنوان ارزش ابزاری نیز باید مورد احترام و حفاظت قرار گرفته و از این بابت نیز حفظ آن حقی است برای انسان ها بر گردن یکدیگر.

خداوند متعال به این مطلب در آیات مختلفی از قران اشاره نموده اند؛ به عنوان مثال در آیات ۵ تا ۸ سوره نحل منافع حیوانات را برای انسان برشمرده اند و در آیه ۴۶ سوره روم نیز از باد به عنوان منفعتی بزرگ برای انسان یاد می کنند. همچنین منفعت حشرات، کوه ها، دریاها و سایر عناصر طبیعت نیز در قران مورد تأکید قرار گرفته است.

این دیدگاه را می توان از بیانات حضرت علی (ع) نیز استفاده نمود؛ چرا که ایشان در دستوری که با مالک اشتر می دهند، می فرمایند: « باید توجه تو در آبادانی زمین از دقتی که در گرفتن مالیات به عمل می آوری بیشتر باشد که دریافت مالیات جز به آبادانی زمین ممکن نیست» (نهج البلاغه: نامه ۵۳)، همچنین در دعای طلب باران می فرمایند « خدایا بارانی ده که بسیار ببارد تا زمین های بلند ما پر گیاه شود و در زمین های پست روان گردد و نعمت های فراوان در اطراف ما گسترش یابد تا با آن میوه های ما بسیار، گلّه های ما زنده و فراوان و سرزمین های دورتر از ما بهره مند گردند...». (نهج البلاغه: خطبه ۱۱۵)

از این دو کلام حضرت نیز می توان فهمید که احترام به طبیعت و عناصر آن به دلیل این است که محیط زیست علاوه بر اینکه دارای ارزش ذاتی است، همچنین نعمتی برای انسان بوده و جهت برآورده کردن نیازهای انسان خلق گردیده و دارای ارزش ابزاری نیز می باشد. در این زمینه روایت های فراوانی از اهل بیت علیهم السلام وجود دارد که به دلیل رعایت اختصار از بیان آنها خودداری می گردد.

۲-۶. ابعاد یا ویژگی های محیط زیست

➤ تکلیف

➤ امنیت

- امنیت پایدار

- امنیت ملی

- امنیت روانی

➤ بهداشت و سلامت

➤ آبادانی شهرها (به نظر از واژه توسعه استفاده شود بهتر است)

➤ توسعه اقتصادی

➤ ریشه کن کردن فقر (کاهش فقر)

۳. حق بر محیط زیست در قرآن و روایات

حق بر محیط زیست که امروزه به عنوان یکی از حقوق مسلم هر فرد بشری در حقوق بین الملل پذیرفته شده است، چهارده قرن پیش در اعتقادات مذهب شریف امامیه پذیرفته شده و از آغاز دین اسلام تا کنون در منابع معتبر مذهب امامیه از آن سخن به میان آمده است که به بعضی از این

بیانات اشاره می‌گردد:

۳-۱. اهمیت محیط زیست در قرآن و روایات

در بیان مقدار اهمیت محیط زیست در قرآن، همین بس که بسیاری از سوره‌های قرآن کریم از عناصر و مظاهر طبیعت و محیط زیست از جمله حیوانات، نباتات، حشرات، طبیعت، معادن و اماکن می‌باشد همانند سوره‌های: نحل، عنکبوت، نمل، تین، حدید، رعد، نجم، شمس، ضحی، بلد، ذاریات، فجر، لیل، عصر، احقاف، طور، حجر و کهف می‌باشد. اهمیت محیط زیست به اندازه‌ای است که خداوند متعال به بعضی از عنار آن قسم یاد نموده است.

این اهمیت در روایات اهل بیت علیهم السلام نیز به روشنی قابل درک است؛ چه آنکه در روایتی به رفتار با حیوانات و رعایت عدالت و انصاف در مورد حیوانات تأکید نموده و در روایتی دیگر عدم آزار و اذیت حیوانات را یادآور شده‌اند. گاهی شگفتی‌های پرندگان و حشرات را متذکر شده‌اند و گاهی فلسفه اهتمام به درختکاری را، در بیانی دستور به آبادانی زمین داده و در بیانی دیگر، برای آبادانی زمین و هوا، دعای طلب باران نموده‌اند. (نهج البلاغه: نامه‌ها / ۲۴، ۲۵، ۵۳؛ خطبه‌ها / ۱۶۵، ۹۱، ۱۸۵، ۲۲۳)

همه این مطالب دال بر این است که محیط زیست با تمامی مظاهرش، مورد توجه و اهتمام خداوند متعال و اهل بیت بوده و در هیچ حالی نسبت به آن غافل نبوده‌اند.

۳-۲. فلسفه و مبانی حق بر محیط زیست در آیات و روایات

با بررسی و پژوهش در آیات و روایات معصومین علیهم السلام به وضوح می‌توان فلسفه لزوم حفظ محیط زیست و مبنای فلسفی چنین حقی را برای تک تک افراد بشر برشمرد:

۳-۲-۱. تکلیف

با بررسی آیات و روایات مشخص می‌شود که حفظ محیط زیست تکلیفی است الهی که بر گردن انسان‌ها نهاده شده است، به عبارت دیگر آیات و روایات دال بر این هستند که انسان در رابطه اش با طبیعت خودمختار نبوده و مکلف به احترام، عمران و آبادانی زمین بوده و از تخریب آن منع شده است.

این تکلیف به صراحت در قرآن کریم و در آیه ۶۱ سوره هود بیان شده است: «و اوست که شما را در زمین پدید آورده و از شما خواسته است که در آن آبادانی کنید» (هود/۶۱). انشاء یعنی به وجود آوردن و رشد دادن شیء و «عمارت» نیز نقیض «خراب» و به معنای این است که زمین را به حالتی

در آورند که برای بهره برداری از منافع‌ی که از آن انتظار می‌رود شایستگی پیدا کند. و معنای استعمار، طلب و خواستن عمران و آبادانی است، برخی از دانشمندان نیز از دلالت آیه بر وجوب عمران و آبادانی زمین با کشت و زرع و کاشت درخت سخن گفته‌اند. بنابراین عمران و آبادانی و اصلاح و احیاء محیط زیست انسانی و طبیعی، تنها زمانی محقق می‌شود که کشت و زرع و نهال کاری و غرس اشجار و ساختمان سازی بر روی آن انجام گیرد و از هر گونه فساد و اخلال و بی‌نظمی اجتناب شود. (انتظاری، ۱۳۹۱، ۵۵) همچنین خداوند متعال در آیات ۳۲ سوره بقره و ۳۴ سوره نمل از هر گونه فساد، نابودی و تخریب زمین و اماکن نهی فرموده‌اند.

معصومین علیهم السلام نیز در روایات مختلف حفظ و احترام به عناصر محیط زیست و عدم تخریب و نابودی آن را تکلیف شمرده و بر آن تأکید کرده‌اند که به چند مصداق اشاره می‌گردد:

در روایت‌های مختلف و به تواتر نقل نشده است که پیامبر اسلام در هنگام روانه کردن لشکر به سوی جنگ خطاب به آنها می‌فرمودند: «درختان مثمر را قطع نکنید، کشتزارها را آتش نزنید، حیوانات را بی‌نکند...» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ۲۹)، این دستور ایشان مبنی بر احترام به محیط زیست در زمان جنگ و ضرورت، به وضوح بیانگر دیدگاه ایشان در زمان صلح می‌باشد. همچنین امام صادق علیه السلام در روایتی از آلوده کردن آب دیگران و لو به خاطر انجام واجب شرعی نهی فرموده‌اند. (همان، ۶۵)

امام علی (ع) نیز در کتاب شریف نهج البلاغه با بیانی زیبا به این تکلیف اشاره نموده‌اند، ایشان در خطبه ۱۶۷ می‌فرمایند: «در مورد بندگان خدا و بلادش تقوای الهی پیشه کنید، پس به درستیکه شما مورد سؤال واقع خواهید شد حتی از اماکن و حیوانات»، این بیان نص بر لزوم احترام به محیط زیست بوده و دال بر این است که انسان در روز قیامت از نحوه برخورد با محیط زیست بازخواست خواهد شد. همچنین ایشان در خطبه ۹۱ یکی از آثار هبوط حضرت آدم به زمین را آباد نمودن زمین توسط نسل ایشان عنوان کرده‌اند.

۲-۲-۳. امنیت

امام علی (ع) حفظ محیط زیست را اساس امنیت، آرامش و آسایش مردم دانسته و عدم توجه به محیط زیست و آبادانی زمین را، زمینه‌ای بین رفتن امنیت و آسایش عنوان می‌کنند.

توضیح اینکه امیرالمؤمنین (ع) در نامه ۵۳ که خطاب به مالک اشتر نعی و مردم مصر، ایراد نموده‌اند، به مسئله مالیات اشاره نموده، به مالک دستور می‌دهند که در مالیات گرفتن طوری رفتار

نماید که به نفع و مصلحت مالیات دهندگان تمام شود، سپس فرموده اند: آسایش دیگران میسر نیست مگر به وسیله مالیات دهندگان و بعد از این دو مقدمه می فرمایند: توجه به آبادانی زمین باید از جمع آوری مالیات بیشتر باشد؛ چرا که پرداخت مالیات جز به آبادانی زمین میسر نیست. (ابن میثم، ۱۳۸۹، ۴۸۳ و ۴۸۴)

در حقیقت حضرت علی (ع) در این نامه، به وسیله یک قیاس منطقی و برهان اصولی، آبادانی زمین را منشأ و مبنای امنیت مردم می داند، قیاس موردنظر را به این شکل بیان فرموده اند: آبادانی زمین مبنای جمع آوری مالیات است (صغری)؛ مالیات، اساس و مبنای امنیت است (کبری)؛ بنابراین آبادانی زمین، اساس و مبنای امنیت می باشد (نتیجه).

از این قیاس بسیار زیبا به روشنی می توان درک کرد که حفظ محیط زیست از دیدگاه امام علی (ع) بسیار ضروری بوده و ضامن امنیت و آرامش جامعه خواهد بود.

۳-۲-۳. بهداشت و سلامت

با بررسی آیات و روایات این نتیجه حاصل می شود که یکی از مهمترین مبانی تکلیف به حفظ محیط زیست از دیدگاه خداوند متعال و اهل بیت علیهم السلام، سلامتی و بهداشت خود مردم می باشد. چرا که بارزترین اثر عمران و آبادانی محیط زیست، سلامتی و بهداشت جامعه است.

خداوند متعال در آیه ۳۰ سوره انبیاء به این مبنا اشاره نموده و آب را ضامن سلامتی و حیات هر چیزی بر روی زمین عنوان می کنند: «و هر چیز زنده ای را از آب قرار دادیم» طبق این آیه مبنای هر چیزی در زمین آب بوده و ادامه حیات هر چیزی نیز وابسته به آب می باشد، بنابراین اگر منابع آب در روی کره زمین از بین رود یا آلوده شود، سلامتی همه موجودات و نباتات در معرض خطر افتاده و از بین خواهند رفت. همچنین خداوند متعال در آیه ۹ سوره فاطر باد را منشأ زندگی و حیات و سلامتی هر چیزی بیان فرموده اند: «خداوند است آنکه بادها را بفرستد تا ابرها را برانگیزد و آن ابرها را به شهر و دیار مرده برانید و به بارانش زمین را زنده گردانیم» طبق نص این آیه اساس حیات بر روی زمین آب و باد می باشد که اگر یکی از آن دو نباشد یا آلوده شود نه تنها زمین های مرده را آباد نمی کند بلکه آبادانی ها را نیز از بین برده و سلامتی هر موجود زنده ای را از بین می برد. در روزگار کنونی که علم پیشرفت نموده و انواع بمب های شیمیایی توسط کشورهای ابرقدرت تولید می شود به راحتی می توان درک کرد که این مواد شیمیایی به وسیله بادها می تواند حیات و سلامتی را تا هزاران کیلومتر نابود کند. برعکس اگر باد به دست بشر آلوده نشود می تواند حیات و سلامتی

موجودات و نباتات کره زمین را تضمین کند. امام صادق علیه السلام نیز در روایتی به عنصر هوا اشاره نموده و آن را ضامن حیات و سلامتی می‌داند. ایشان در حدیثی خطاب به مفضل می‌فرمایند: «ای مفضل از این نسیم که هوا نام گرفته و از سودمندی‌ها و مصلحت‌های نهفته در آن عبرت گیر و بدان که همانا حیات بدن‌های موجودات زنده وابسته به آن است.» (جعفی کوفی، ۱۹۶۹، ۱۴۱) این روایت نص در این معناست که هوای پاک ضامن سلامتی و حیات موجودات بوده و آلودگی آن باعث از بین رفتن سلامت و بهداشت خواهد شد.

اکنون که آلودگی و گرد و غبار به مشکلی اساسی برای جامعه تبدیل شده است می‌توان نقش اساسی باد را در سلامت موجودات به روشنی درک کرد. گرد و غبار و آلودگی هوای کلان‌شهرها روزانه صدها نفر را راهی بیمارستان نموده و مریضی‌های گوناگون قلبی، ریوی را برای مردم به ارمغان می‌آورد و باعث مرگ صدها نفر در سال می‌شود، این در حالی است که با وزش باد بدترین گرد و غبار در عرض چند ساعت از بین رفته و هوای پاک جایگزین آن می‌شود به گونه‌ای که وزش باد در این شهرها آرزوی مردمان آن شهر می‌گردد.

۳-۲-۴. آبادانی شهرها

حضرت علی (ع) یکی از مبانی و فلسفه‌های حفظ محیط زیست را آبادانی کشور و بلاد می‌دانند. طبق دیدگاه ایشان عدم توجه به عمران و آبادانی زمین باعث ویرانی و از بین رفتن آبادانی کشور می‌شود؛ چرا که اگر به عمران و آبادانی زمین توجه نشود، شغل کشاورزی که درآمد اکثر مردم از آن بوده و اقتصاد کشور نیز تا حد بسیار زیادی وابسته به آن است، از بین خواهد رفت و با از بین رفتن شغل کشاورزی درآمد نیز کاسته شده و به تبع آن، آبادانی شهرها تبدیل به خرابی خواهد شد. (موحدی لنگرانی، ۱۳۸۲، ۸۸) بسیار واضح است که ساختن خانه‌های زیبا و تعمیر و بازسازی منزل‌های مسکونی در حال تخریب میسر نیست مگر با وجود تمکن مالی، در حالی که تمکن مالی اکثر مردم وابسته به آبادانی زمین است. پس عدم عمران و آبادانی مساوی است با عدم تمکن مالی مردم و عدم تمکن مالی نیز مساوی است با فرسایش بافت شهرها و خرابی.

به همین جهت است که حضرت امیر علیه السلام در فرازی از نهج البلاغه می‌فرماید: «کسی که بدون کوشش در آبادانی زمین از مردم خراج بخواهد، شهرها را ویران کرده...» (نهج البلاغه/ نامه ۵۳). این بیان ایشان به وضوح نشانگر این مطلب است که عمران و آبادانی زمین و عمران و آبادانی شهرها و کشور لازم و ملزوم هم بوده و هر گاه زمین آباد گردد به تبع آن کشور نیز آباد گشته و هر

گاه از عمران و آبادانی زمین غفلت شود، ویرانی کشور را در پی خواهد داشت.

۳-۲-۵. رونق اقتصادی و ریشه کن شدن فقر

یکی از آثار و نتایج حفظ محیط زیست و عمران و آبادانی زمین، رونق اقتصادی و ریشه کن شدن فقر در جامعه می باشد و استنباط این اثر از آیات و روایات بدیهی است.

خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید: «و روزی شما در آسمان است» (ذاریات: ۲۲)، اگر مراد از آسمان، آسمان ظاهری باشد باید گفت طبق این آیه رزق و روزی یا همان اقتصاد مردم وابسته به آسمان است؛ چرا که برف، باران، نور خورشید و اکسیژن همگی از برکت آسمان هستند. این عناصر هستند که باعث به وجود آمدن شغل کشاورزی می شوند، شغلی که اقتصاد حول محور آن می چرخد. واضح است که حفظ محیط زیست و عمران و آبادانی زمین منجر به رونق کشاورزی و به تبع آن رونق اقتصاد جامعه می شود. چنانکه امام زین العابدین (ع) نیز زمانی که از لحاظ اقتصادی دچار ضعف می شده اند از این آیه شریف در دعای خود برای رونق اقتصادی استفاده می کرده اند. (علی بن الحسین (ع)، ۱۳۸۴، ۱۸۰ و ۱۸۱)

همچنین در حدیثی از امام علی (ع) نقل شده است که می فرماید: «کسی که آب و خاکی بیابد و محتاج گردد، خداوند او را از رحمت خود دور می گرداند.»، طبق این روایت هر ملتی که آب و زمین کشاورزی به اندازه کافی در اختیار داشته باشند ولی با این وجود آب ها را مهار و زمین را اصلاح و آباد نکنند و در اثر کم کاری محتاج گشته و در وضعیت اقتصادی ضعیف به سر بند از رحمت الهی دور خواهند بود. (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ۳۶) از این روایت و امثال آن می توان به راحتی درک کرد که محیط زیست سالم و زمین حاصلخیز و آب کافی همراه تلاش انسان برای عمران و آباد کردن آن می تواند باعث رونق اقتصادی گردد.

باید توجه داشت که فعالیت کشاورزان فقط باعث شکوفایی اقتصاد خودشان نمی شود بلکه منجر به شکوفای اقتصادی کل جامعه خواهد شد؛ چرا که چرخه اقتصادی یک جامعه به گونه ای است که کشاورزان مازاد تولید و فرآورده های خود را به صورت غیر مستقیم به شهرنشینان منتقل نموده و از طرف دیگر نیز خریدار محصولات و لوازم مورد نیاز زندگی خود از قبیل پوشاک، ابزار آلات و ... از شهر نشینان می باشند و همین داد و ستدهاست که رشد و شکوفایی اقتصاد یک جامعه را رقم خواهد زد. بدیهی است که تخریب محیط زیست مساوی است با نابسامانی اوضاع کشاورزی که در نهایت به نابسامانی اقتصادی جامعه منجر خواهد گردید. (موحدی لنکرانی، ۱۳۸۲، ۸۷) یکی از

اصول اساسی اقتصاد مقاومتی که در سالهای اخیر توسط مقام معظم رهبری ابلاغ شده است، قطع وابستگی به خارج می باشد که به نظر می رسد حفظ محیط زیست و رونق کشاورزی یکی از راهکارهای آن می باشد.

رونق کشاورزی نه تنها باعث رونق اقتصادی جامعه می شود بلکه در کنار حکم خداوند متعال به وجوب زکات باعث ریشه کن شدن فقر نیز خواهد شد. خداوند متعال در آیات متعددی از قرآن کریم زکات را واجب شمرده و اهمیت آن را هم ردیف با نماز قرار داده اند (بقره/ ۴۳، ۸۳، ۱۱۰، ۱۷۷؛ نساء/ ۷۷، ۱۶۲؛ مائده/ ۱۲، ۵۵) از سوی دیگر طبق بیان فقهاء زکات محصولات از قبیل: گندم، جو، کشمش، خرما، گوسفند، شتر و گاو واجب می باشد (خمینی، ۱۳۸۶، ج ۲، ۱۱ و ۱۲) از سوی دیگر فقرا و مساکین نیز مهمترین صنف از مستحقین زکات محسوب می شوند (همان، ص ۴۶)، بنابراین باید گفت عمران و آبادانی زمین باعث رونق کشاورزی و دام پروری و زیاد شدن محصولات می شود که از عناصر مهم محیط زیست می باشند، از سوی دیگر به خاطر حکم خداوند به وجوب زکات و اختصاص سهمی از محصولات به فقرا و مساکین، این رونق کشاورزی می تواند باعث ریشه کن شدن فقر در جامعه گردد.

۳-۲-۶. اقتدار ملی

اقتدار ملی حاصل اتحاد مردم با حکومت و همچنین وجود نیروهای مسلح قوی است؛ چرا که عدم وجود قوای مسلح قدرتمند، یعنی جسارت و جرأت دشمن در حمله و تضعیف حکومت. از سوی دیگر اگر مردم جامعه مدافع حکومت نبوده و با دولتمردان متحد نباشند، باز هم اقتدار ملی تضعیف می شود؛ چرا که مردم پشتوانه اصلی هر حکومتی هستند.

حال اگر در کشور تمامی آحاد مردم و خود حکومت، بحث محیط زیست را جدی نگرفته و به عمران و آبادانی زمین و محیط زیست نپردازند و به تبع آن محیط زیست از بین رود، طبق بیان امام علی (ع) رونق اقتصادی کشور تضعیف شده و بیت المال نیز خالی خواهد شد و به تبع آن قوای مسلح و نیروی نظامی کشور تضعیف خواهد شد که نتیجه آن، از بین رفتن اقتدار ملی است. برعکس عمران و آبادانی زمین مساوی است با رونق اقتصادی و رونق اقتصادی نیز مساوی است با تقویت بیت المال و احساس آرامش و امنیت مردم که خود باعث اتحاد مردم و دولت خواهد شد. نتیجه همه این مطالب، اقتداری است ملی که برای هر جامعه و حکومتی لازم است. (ابن میثم، ۱۳۸۹، ۴۷۲-۴۷۳).

۳-۲-۷. امنیت و آرامش روانی

از دیدگاه خداوند متعال و اهل بیت علیهم السلام محیط زیست سالم و آباد ضامن امنیت روانی و آرامش روح و روان انسان محسوب می باشد، بنابراین باید گفت یکی از مبانی تکلیف بر حفظ محیط زیست و عمران و آبادانی زمین آرامش روح و روان می باشد.

خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید: «زمانیکه آنها را برای چرا می برید و زمانیکه آنها را از چرا باز می گردانید برای شما جلوه و زیبایی هست» (نحل: ۶) خداوند متعال در این آیات (آیه قبل و آیه بعد) فقط به منافع جسمی حیوانات از قبیل خوراک و پوشاک بسنده نمی کند؛ بلکه منافع روانی آنها یعنی جمال و زینت را نیز در آیه ای مستقل مورد تأکید قرار می دهند که این مطلب نشانگر اهمیت این منفعت برای انسان می باشد. این بدین معنا است که حیوانات به دلیل دارا بودن زیبایی، مخصوصاً در بعضی از حیوانات مثل طاووس، برای بشر می تواند آرامش روانی ایجاد کند. (لطفی و همکاران، ۱۳۸۹، ۷۵) بسیار بدیهی است که نگاه کردن به حیوانات روح و روان را جلا داده و می تواند غم و اندوه را قلب انسان بزدايد؛ به همین دلیل است که در روزگار کنونی و زندگی های آپارتمان نشینی که بشر را از طبیعت دور کرده است، خرید و فروش حیوانات زینتی بسیار پر رونق می باشد.

اهل بیت علیهم السلام نیز در روایاتی به این مبنا اشاره نموده و یکی از آثار حفظ محیط زیست و عمران و آبادانی زمین را آرامش روان و گوارا شدن زندگی می دانند. از جمله اینکه پیامبر اکرم (ص) در روایتی می فرماید: «سه چیز مایه روشنی دیده اند: نگاه به سبزه و آب روان و به روی نیکو» (حرانی، ۱۴۰۴، ۶۰۹)، همچنین امام علی (ع) در روایتی نگاه کردن به سبزه را مایه شادابی، نشاط و حیات عنوان فرموده اند. (قمی، ۱۳۷۸، ج ۲، ۴۰)

این روایات دال بر این است که از دیدگاه اهل بیت علیهم السلام محیط زیست سالم باعث آرامش روح و روان و شادابی و نشاط می گردد؛ به همین دلیل است که ایشان همواره بر لزوم عمران و آبادانی و احترام به محیط زیست تأکید فرموده اند.

نتیجه گیری

«حق بر محیط زیست» موضوعی جدید در حقوق بین الملل و از موضوعات نسل سوم حقوق بشر، به معنای حقی است مسلم و غیر قابل اعراض و اسقاط که به سبب آن تمامی افراد بشر، هم به صورت فردی و هم به صورت جمعی از محیط زیستی سالم همراه با مسئولیت حفظ سلامت آن به منظور حفظ سلامت نسل حاضر و آینده بشر برخوردار می باشند. این حق با این عنوان در منابع

دینی فقه امامیه مورد تصریح قرار نگرفته است ولی با کندوکاوی در متون اصیل مذهب امامیه روشن می شود در این متون، ضمن بیان عناصر طبیعت، به تکالیف گسترده ای برای حفظ آن در کنار بهره- برداری صحیح و متناسب از طبیعت تاکید شده است. بر این اساس و با لحاظ قاعده ملازمه حق و تکلیف در فلسفه فقه امامیه، می توان بسیاری از مصادیق و مبانی حق بر محیط زیست سالم را بر مبنای متون دینی امامیه استنباط و استخراج کرد. یافته های پژوهش نشان می دهد اصل ارزشمندی ذاتی طبیعت که مستلزم احترام و حفظ آن است، همچنین ارزش اعتباری طبیعت در برقرار امنیت، آبادانی کشور، بهداشت و سلامت، امنیت و آرامش روانی، ایجاد رفاه و رونق اقتصادی و نیز ایجاد اقتدار ملی، از مؤلفه های اساسی در شناسایی موضوع حق بر محیط زیست سالم در اندیشه دینی امامیه می باشند.

منابع

- قرآن کریم.
 نهج البلاغه.
- ابن میثم، میثم بن علی (۱۳۸۹). شرح نهج البلاغه ابن میثم، مترجمان: قربانعلی عمدی مقدم/ حبيب روحانی، مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی، چاپ چهارم.
- احسائی، ابن ابی جمهور (۱۴۰۵ق). عوالی اللئالی العزیزیه فی الاحادیث الدینیّه، تحقیق: آقا مجتبی محمدی عراقی، قم: انتشارات سیدالشهداء، چاپ یکم.
- امیر ارجمند، اردشیر (۱۳۷۳). حفاظت از محیط زیست و همبستگی بین‌المللی، تحقیقات حقوقی، ۱۵(۱)، ۳۲۴-۴۳۶.
- انتظاری، علیرضا (۱۳۹۱). بررسی مبانی و حیانی حفظ محیط زیست، پژوهش‌های اعتقادی و کلامی، ۷(۲)، ۷۱-۴۷.
- آل بحر العلوم، سید محمد (۱۴۰۳ق). بلغۀ الفقیه، تهران: مکتبۀ الصادق.
- بنان، غلامعلی (۱۳۵۱). محیط زیست؛ انسان و جلوگیری از آلودگی آن، تهران: انجمن ملی حفاظت منابع طبیعی و منابع انسانی، جلد ۲.
- بوتکین، دانیل (۱۳۸۲). شناخت محیط زیست، ترجمه: عبدالحسین وهاب‌زاده، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۵). مقدمه عمومی علم حقوق، تهران: کتابخانه گنج دانش.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۸). وسیط در ترمینولوژی حقوق، تهران: گنج دانش، چاپ اول.
- جعفی کوفی، مفضل بن عمر (۱۹۶۹م). توحید المفضل، قم: مکتبه الداوری.
- جنیدی، محمدجواد (۱۳۵۲). صنایع معدنی و آلودگی محیط، تهران: سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸). اسلام و محیط زیست، قم: مرکز نشر اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۴). مفاتیح الحیاه، تحقیق و تنظیم: حجج اسلام محمد حسین فلاح زاده، یدالله مقدسی و همکاران، قم: اسراء، چاپ ۱۸۵.
- حرانی، حسن بن علی [ابن شعبه] (۱۴۰۴ق). تحف العقول عن آل الرسول (ص)، تصحیح: علی اکبر غفاری، قم: مؤسسه انتشارات اسلامی، چاپ دوم.

خمینی، روح الله (۱۳۸۶). تحریر الوسیله، مترجم: علی اسلامی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ بیست و سوم.

راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد (۱۳۶۲). المفردات فی غریب القرآن، بی‌جا: مکتبه المرتضویه. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۴). المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه: سید محمد باقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

علی بن الحسین (ع) (۱۳۸۴). صحیفه سجادیه، مترجم: سید کاظم ارفع، تهران: فیض کاشانی، چاپ سوم. فهیمی، عزیزالله. مشهدی، علی (۱۳۹۳). اندیشه های حقوق محیط زیست، قم: دانشگاه قم، چاپ اول. قمی، محمد بن علی [ابن بابویه] (۱۳۸۷). عیون اخبار الرضا (ع)، تصحیح: سید مهدی حسینی لاجوردی، تهران: انتشارات جهان.

قوام، میرعظیم (۱۳۷۵). حمایت کفیری از محیط زیست، تهران: انتشارات سازمان حفاظت محیط زیست. کشاورز، اسماعیل (۱۳۸۷). مبانی فلسفی حق بر محیط زیست سالم، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق محیط زیست به راهنمایی دکتر محمد راسخ، دانشگاه شهید بهشتی.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۸). الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم. لطفی، عبدالرضا؛ اخگری بناب، نادر؛ فقهی، محمد رضا (۱۳۸۹). حمایت از محیط زیست، اموال و اماکن در مناصمات مسلحانه، تهران: هستی نما، چاپ اول.

محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۸۲). قواعد فقه بخش مدنی؛ تهران: مرکز نشر علوم اسلامی، چاپ دهم. مدنی، سید جلال الدین (۱۳۷۴). مبانی و کلیات علم حقوق، تهران: نشر همراه. مشهدی، علی (۱۳۹۲). حق بر محیط زیست سالم: الگوی ایرانی فرانسوی، تهران: نشر میزان، چاپ اول. مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۷۷). حقوق و سیاست در قرآن، نگار: محمد شهبابی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۸۱). نظریه حقوقی در اسلام: حقوق متقابل مردم و حکومت، نگارش: محمدمهدی نادری و محمدمهدی کریمی‌نیا، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

مطهری، مرتضی (۱۳۸۱). یادداشت‌های استاد مطهری، تهران: صدرا ف چاپ دوم. موحدی لنکرانی، محمد (۱۳۸۲). آیین کشورداری از دیدگاه امام علی (ع)، تنظیم و تدوین حسین کریمی زنجانی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

هیثمی، علی بن ابی بکر (۱۴۰۸ق). مجمع الزوائد، بیروت: دارالکتب العلمیه.